

اخبار

**در مراسمی خاص مهدی فرجی مدیر سابق شبکه یک سیما تکریم شد**



مراسم تکریم مهدی فرجی، مدیر سابق شبکه یک با حضور محمد احسانئی، مدیر جدید این شبکه، محمد طباطبایی‌نژاد مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، محمدرضا شریفی‌نیا، کوروش سلیمانی، امیرنوری، حسام نواب‌صفوی، سروش صحت، اشکان خطیبی، محمدرضا ورزی، مرضیه برومند، محمدرضا شهیدی‌فر، جهانگیر کوثری، الهام غفوری، محمود رضوی، علی لدنی، اقبال واحدی، بهرنگ توفیقی، حبیب والی‌نژاد، محمدکاظم کاظمی، امیرعلی دانایی، مزده لواسانی، محمدحسین قاسمی، رحمان سیفی‌آزاد و جمع دیگری از هنرمندان در فرهنگسرای رسانه برگزار شد. مهدی فرجی ضمن قدرانی از شبکه یک برای برگزاری این مراسم گفت: امروز با وجود اصرا فراوان که خواستم میهمانی کوچکی باشد و اصلا اول نمی‌خواستم برگزار شود، این مراسم برگزار شد و ظاهرا مدیر نیستیتم که حرماس خوانده نمی‌شود اما بسیار ممنونم. امروز ماشین از سمت شبکه مرا آورد و آقای پورمحمدی این بار کار نیک و شایسته‌ای کردند و لطف ایشان منجر به تسکین این جلسات شد. همچنین از آقای احسانئی تشکر می‌کنم و به نظر می‌رسد انتصابات اخیر معاونت سیما شایسته و خوب است و مدیران میدان‌دیده هستند. فرجی ادامه داد: واقعا آقای پورمحمدی مثل مسابقه ملی افراد باتجربه را انتخاب کرده و در بین آنها آقای احسانئی و احسان تیز شیرینی دیگری دارد. من ۲۲ سال با ایشان همکاری و ایشان بسیار کریم و باهمت است و شبکه یک از قبل جذاب‌تر خواهد شد. مدیر سابق شبکه یک ضمن بیان اینکه باید ۳ خردخواهی داشته باشم، توضیح داد: از مردم شریف ایران عذر می‌خواهم چون شایسته کارهای بهتر، باکیفیت و جذاب‌تر هستند. مردم ایران فرهنگ‌دوست هستند و خیلی از اوقات روزشان را با تلویزیون می‌گذرانند و متوسط تماشای تلویزیون حدود ۲ و نیم ساعت است و به همین دلیل باید خیلی وقت بگذاری. وی افزود: از هنرمندان نیز عذرخواهی می‌کنم چون می‌خواستند امکانات بهتری داشته باشند و این حق آنهاست و در این بین سختگیری‌ها و میزبایی‌بده اما خدا را شاهد می‌گیرم برای جذابیت آنتن بوده و لاغیر. تلاش کردم نفسانیت را دخالث ندهم و اگر کپو کاستی می‌بینند، عذر را بپذیرند. فرجی بیان کرد: از مسئولانی همچون آقایان ضرغامی و لاریجانی و میرباقری که این مسؤولیت را به بنده واگذار کردند، تشکر می‌کنم. آقای دارایی نیز خیلی لطف کردند و دستم در خیلی از کارها باز بود و از همه حالات می‌طلبیم چون حق مطلب ممکن بود بهتر ادا شود. در پایان این مراسم محمد احسانئی مدیر جدید شبکه یک، آبتین مهدی‌پور مدیرشبه‌ک سلامت، حسین‌زاده‌مدیرپخش شبکه قرآن، احمدی‌مدیر فرهنگسرای رسانه و جمعی از تهیه‌کنندگان شبکه یک از مهدی فرجی تقدیر و هدایایی به او اعطا کردند.

■ ■ ■

**فیلمی جدید به تهیه‌کنندگی امکانبان**
بیژن امکانبان، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «هاید» از اتمام مراحل تولید این فیلم سینمایی خبر داد و افزود: هفته آخر آژرم‌ماه مراحل فنی تولید به پایان رسید و این فیلم تحویل دبیرخانه سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر شد. به عقیده من حاصل تلاش گروه تولید این اسکان را در اختیار «هاید» قرار می‌دهد تا در رشته‌های مختلف کاندیدای دریافت جایزه شود. به گزارش تسنیم، امکانبان در این باره گفت: این فیلم شخصیت‌محور است و محرک اصلی برای پیشبرد داستان، برعهده شخصیت‌هاست، فیلمی رئالیته که بر مبنای واقع‌گرای نباشد و روایتی از داستان زندگی پرسوناژی به نام «هاید» است که تلاش می‌کند بسر و سامانی به زندگی خود بدهد. وی ادامه داد: پیش‌تولید فیلم ۵۰ روز به طول انجامید و تمام کار در بندرانزلی، با بیش از ۳۰ لوکیشن و در ۲۷ جلسه فیلمبرداری شده و نمی‌توان عنوان یک فیلم آپارتمانی را برای آن نام فری گرفت. گفتنی است، فیلم سینمایی «هاید» به تهیه‌کنندگی بیژن امکانبان در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تولید شده‌است.

■ ■ ■



بیژن امکانبان، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «هاید» از اتمام مراحل تولید این فیلم سینمایی خبر داد و افزود: هفته آخر آژرم‌ماه مراحل فنی تولید به پایان رسید و این فیلم تحویل دبیرخانه سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر شد. به عقیده من حاصل تلاش گروه تولید این اسکان را در اختیار «هاید» قرار می‌دهد تا در رشته‌های مختلف کاندیدای دریافت جایزه شود. به گزارش تسنیم، امکانبان در این باره گفت: این فیلم شخصیت‌محور است و محرک اصلی برای پیشبرد داستان، برعهده شخصیت‌هاست، فیلمی رئالیته که بر مبنای واقع‌گرای نباشد و روایتی از داستان زندگی پرسوناژی به نام «هاید» است که تلاش می‌کند بسر و سامانی به زندگی خود بدهد. وی ادامه داد: پیش‌تولید فیلم ۵۰ روز به طول انجامید و تمام کار در بندرانزلی، با بیش از ۳۰ لوکیشن و در ۲۷ جلسه فیلمبرداری شده و نمی‌توان عنوان یک فیلم آپارتمانی را برای آن نام فری گرفت. گفتنی است، فیلم سینمایی «هاید» به تهیه‌کنندگی بیژن امکانبان در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تولید شده‌است.

**خبرنگار فرهنگی «وطن امروز» باشد**

هموطن گرامی! تقدوا و یادداشت‌های خود را در حوزه فرهنگ و هنر، امع از نقد سینمایی، نقد کتاب و گزارش فرهنگی از سراسر ایران برای روزنامه ارسال کنید. ضمن انتتشار مطالب شما به نام خودتان در روزنامه، هر ماه به بهترین مطلب ارسال‌شده‌ای از طرف «وطن امروز» تعلق خواهد گرفت.

Farhangi@vatanemrooz.ir



**مرتضی اسماعیل‌دوست:** تاپور، مرزی از جهان‌هایی متمایز در رویایی به خواب رفته و آفتی رو به رستگاری است. فیلمی که جهان درون را به ذراتی باورمند از خاستگاهی غریب متمرکز می‌کند و خیزر از آرامنی به تاراج رفته از اصالت وجود دارد. گفت‌وگوی صورت یافته با وحید وکیلی‌فر، کارگردان فیلم تاپور، روشنی بیشتری به جهان اثر خواهد بخشید.

■ **هراس از دیده‌نشدن فیلمی فرم‌گرا با مولفه‌هایی فلسفی چون تاپور را نداشتید؟**
برای ساخت فیلم تاپور آنقدر دلایل شخصی و علاقه‌مندانه داشتم که شاید اگر هیچ‌یک از این شرایط آسران داخلی با جشنواره‌های پیش نمی‌آمد، باز هم ناراحت نمی‌شدم. مساله‌ای در گوشه ذهنم وجود داشت که دوست داشتم تجربه اجرائیش را داشته باشم، البته شرایط اکران عمومی و فرصتی که برای تماشای فیلم می‌شود، بسیار متفاوت و ارزشمند است. فضایی که از برخورد اثر با نگاه مردم به‌دست می‌آید.
■ **چه جهان‌بینی خاصی بر شما حاکم است که به سمت فضایی ایزوله شده در ساخت تاپور رفتید؟**
آنقدر ما مورد هجوم ایده‌های جدیدی قرار می‌گیریم که نمی‌توان با قطعیت درباره همه چیز صحبت کرد اما این جهان‌بینی خاصی که در آثارم وجود دارد را شاید بتوان ریشه در کودکی دانست که پسرعمه‌ای داشتم و ایشان به همراه دوستانی منتقد و مترجم، جلساتی برای دیدن فیلم داشتند و آثار مورد تماشای‌شان هم از نوع سینمای مولف بود. من هم مشتاق بودم با پسرعمه‌ام در آن جلسات حاضر باشم و در شرایطی که شاید چیز خاصی هم نمی‌فهمیدم، مثلا فیلم نوستالژی تارکوفسکی را می‌دیدم و محو جوی فیلم می‌شدم.
■ **سینمای غالب آن زمان از نوع فیلم‌هایی با نگره فلسفی و جهان‌بینی شرقی بود.**

بله! معمولا در آن دوران سینمای بلوک شرق پشتوانه تماشایی برای فیلم‌بین‌های هنری داشت. به هر حال در آن شرایط محدودیت‌هایی برای تهیه فیلم‌های روز بود و ما بارها همان آثار ارزنده از سینمای تارکوفسکی در برسون و بر گلمن را می‌دیدیم. حتما یادتان می‌آید که در دهه ۶۰ تلویزیون ایران هم بسیاری از چنین آثاری را مانند فیلم‌های اوژن نشان می‌داد که مشتاقانی برای خود داشت و من هم در آن شرایط سلیقه‌ام شکل گرفت.
■ **در فیلم تاپور، مواجهه انسانی تنها با نانورالیسم را شاهدیم و از طرفی ارجاعاتی به جهان متافزیک داریم. واقعیتش وقتی داشتم این فیلمنامه را می‌نوشتم، بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای ورود یافتم.**

■ **سا در این فیلم به لحاظ فرمی و مضمونی هم جهان آثار تارکوفسکی را شاهدیم و هم به فیلم‌هایی امروزی‌تر مانند موه‌تورهای مقدس تمایل می‌یابیم.**

برای من هم جالب است که در هر فستیوالی که حضور داشتم و هر نقد خارجی که بود، تاپور را با فیلم‌های مشابهی مقایسه کردند. آثاری که برخی حتی به ذهن من هم نمی‌رسید.

■ **معمولا با چه کارگردان‌ها و آثاری مقایسه می‌کردند؟**
مثلا با فیلم‌هایی از دیوید لینچ، بلاتر، کوروسماکی و حتی ادیسه فضایی کوربریک مقایسه می‌شد. واقعیتش این است که وقتی دست به نگارش فیلمنامه می‌زنی، با همه تالاشی که بابت فارغ شدن از دنیای فیلم‌های مختلف داری، باز هم حس برآمده از فیلم‌های مورد علاقه‌ات در آن جاری می‌شود. ما سرشار از ارجاعات بیرونی هستیم اما با این شرایط آنچه می‌تواند موجب تشخیص فیلم تاپور شود، حفظ فردیت سینمای خود است.

■ **ایده اولیه را در چه حس و حالی و در طی چه زمانی به‌دست آوردید؟**

من در حدود یک سالی با ایده اولیه همراه بودم. این ایده در ابتدا از مقاله‌ای به‌دست آمد که درباره تأثیر امواج الکترو مغناطیس روی بدن انسان خوانده بودم و در آنجا به مورد خاصی در آلمان اشاره شد که بدنش به شکل غیرمترافی نسبت به این مساله واکنش نشان می‌داد. این موضوع، من را خیلی درگیر کرد که چگونه می‌توانم برای آن قصه‌ای پیدا کنم. اما کلید ورودی‌ام به فضای تاپور از روزی بود که به طور اتفاقی با سمپاشی برخورد کردم که در خیابان بالای شهری در تهران به دنبال انجام این کار بود. اصلا فکرش را نمی‌کردم که در دنیای مدرن امروز، چنین حرفه‌ای وجود داشته باشد.

■ **تقابل فضایی از ماشینیسم مدرن‌گرای امروز با رویایی برآمده از دبروز سنت‌گرا!**
بله! تصویر خاصی از فردی بود که ناخواسته وارد دنیای مدرنی شده بود، بدون آنکه آگاه به موقعیت امروزی باشد. با تلقی ایده‌هایی که یافته بودم، اشتیاق خوبی برایم فراهم شد که بنشینم و فیلمنامه تاپور را بنویسم. یک فضای خرد و تنهایی‌محور سینمای برابم در خانه ساختم و طی یک ماه فیلمنامه را تکمیل کردم.



**گفت‌وگوی «وطن امروز» با وحید وکیلی‌فر، کارگردان فیلم تاپور**

**ما سوار ماشین همین نظام هستیم**

اصلا به دنبال تصویر تاریکی از کشور خود نیستیتم

■ **همان فضای خاصی را که شخصیت اصلی در آن غار تنهایی برای خود ساخته بود!**
واقعا لازم بود. چون منبع الهامی در بیرون نبود. شاید اگر من بیرون می‌آمدم و با اولین ماشینی برخورد می‌کردم، کل خلاقیتم از بین می‌رفت. به خاطر اینکه من به دنبال ترسیم جهان دیگری بودم و این فضای تخیلی در بیرون وجود نداشت.
■ **فیلمنامه اولیه شگفتی اطرافیان را دربر نداشت؟**
من تا یک ماه جرات نشان دادن فیلمنامه به کسی را نداشتم. جز همسرم که به‌عنوان مشاور کار هم با من بود. در واقع ایشان با توجه به تحصیلات و علاقه‌ای که دارند، تهیه‌کننده مشترک تاپور هم هستند. بعدا فیلمنامه را به دو نفر از هنرمندان مطرح کشور دادم و با توجه به بازخورد خوبی که دریافت کردم، با جسارت به دنبال اجرای کار رفتم.

■ **وقتی فیلم تاپور برای اولین بار در جشنواره فیلم فجر در ایران به نمایش درآمد، واکنش‌ها چگونه بود؟**
بعد از فوت پدرم، سخت‌ترین دوران عمرم، همان زمان جشنواره فیلم فجر بود. متاسفانه منتقدانی که به دنبال فیلمسازان خاص و دوستان مشخصی هستند، با همه ادعاهای خود، از فیلم‌های هنری و تجربی‌گریزان هستند و این برای من خیلی سخت بود. من اصلا در این فضاهای نامشخص نبودم و در جشنواره‌هایی که در خارج رفته‌ام، با شرایط مشخص و برخورد‌های مناسب منتقدانی مطرح روبه‌رو شدم که حاضر بودند مسافت‌هایی زیاد را طی کنند و فیلم جدیدی از این نوع سینما را ببینند.

■ **نحوه مواجهه با فیلم‌ها بستگی به جهان فکری و برخوردی عاشقانه دارد و نمی‌توان تنها با ژست‌گرایی با دنیای آثار ارتباط یافت!**

آفرین. اینها دنیای تو را می‌سازند. من یادم می‌آید اولین بار در ۱۲سالگی با تماشای فیلم راه از بلما گوتنی، عاشق فیلمسازی شدم. من آن زمان به درستی این فیلم را نمی‌فهمیدم اما بعدها که بزرگ شدم، بی به جادوی سینما بردم. سینما برای من و شما فقط حرفه نیست، بلکه عشق ماست.

■ **موضوعی خاص که دنیای تاپور را آفرید، به طور مشخص چه بوده است؟**
هم‌زمان که من در حال نگارش بودم، فاجعه انفجار نیروگاه اتمی فوکوشیما و مسائل درآواری که در آنقلاب‌های خاورمیسه رخ می‌داد، در من تأثیر زیادی گذاشت. جنگ‌های یادشده نشانه این بود که شاید رستگاری آدمی در حال فراموشی است. به هر حال انسان از روز ابتدای آفرینش، افسانه بازگشت به سرچشمه رستگاری را دارد و متاسفانه چنان با خود و جهان پیرامون برخورد می‌کند که

هر روز در حال اضمحلال است. رستگاری، بهترین تمی بود که علاقه داشتم به تصویر درآورم. در هر همه جای فیلم هم وجود دارد. تلاشی که انسان امروز برای بازگشت به ذات آدمی می‌کند.

■ **این تلاش در فیلم تاپور به طور مشخص در نمایشی که در حال تلاش برای گشایش در مدرن آسانسور است، نمود دارد.**

همین طور است. نقدی که شما برای تاپور نوشتید، چنان کاملاً همه بود که به همه این موارد اشاره دارد. جهان مدرنی که شما اشاره کردید، انسان امروز را از رسیدن به کمال خود باز داشته‌است.
■ **و البته در نمای زیبای پایانی، اوج این آرزومندی در هم‌فریگی انسان با باق سعادت شکل می‌یابد.**
بله! کاملاً همین طور است. شاید برخی بگویند که چرا آن نمای پایانی آنقدر طولانی است. اصلا تمام آرزوهای من در آن نما خلاصه می‌شود و هر بار که نگاه می‌کنم، آرزو دارم که معجزه‌های شکل بگیرد.
■ **انسان منعکس در تاپور همه مسیرها را طی می‌کند و حتی تن به ذاتی ناخواسته در سکاسن به نمایش درآمده خود بهره‌برداری می‌دهد تا به آن جادوانگی نزدیک شود.**

در آن سکاسن، بحث استعاره و نمادپردازی به اوج خود می‌رسد. جایی که حتی شکل معماری، صاحب معنا می‌شود و همین‌طور شکل میزنسن در آن سکاسن متفاوت بوده که هر کسی می‌تواند تعبیری متمایز با آن کند. آن سکاسن، بازگشت آدمی است که پس از طی کردن دنیایی در سکاسن‌های ماقبل، حالا باید زخم نشسته در وجودش را در عین درآوور بودن، مرهم نهد.

حتی صاحب انجام آن مرهم از او هم که توان‌قلمت‌تر است می‌بازد و چون مره‌های در آن واقع می‌شود. جان فیلم در این سکاسن مورد اشاره است که دیگر سوزه تبدیل

برای من هم جالب است که در هر فستیوالی که حضور داشتم و هر نقد خارجی که بود، تاپور را با فیلم‌های مشابهی مقایسه کردند. آثاری که برخی حتی به ذهن من هم نمی‌رسید.

■ **معمولا با چه کارگردان‌ها و آثاری مقایسه می‌کردند؟**
مثلا با فیلم‌هایی از دیوید لینچ، بلاتر، کوروسماکی و حتی ادیسه فضایی کوربریک مقایسه می‌شد. واقعیتش این است که وقتی دست به نگارش فیلمنامه می‌زنی، با همه تالاشی که بابت فارغ شدن از دنیای فیلم‌های مختلف داری، باز هم حس برآمده از فیلم‌های مورد علاقه‌ات در آن جاری می‌شود. ما سرشار از ارجاعات بیرونی هستیم اما با این شرایط آنچه می‌تواند موجب تشخیص فیلم تاپور شود، حفظ فردیت سینمای خود است.

■ **ایده اولیه را در چه حس و حالی و در طی چه زمانی به‌دست آوردید؟**

من در حدود یک سالی با ایده اولیه همراه بودم. این ایده در ابتدا از مقاله‌ای به‌دست آمد که درباره تأثیر امواج الکترو مغناطیس روی بدن انسان خوانده بودم و در آنجا به مورد خاصی در آلمان اشاره شد که بدنش به شکل غیرمترافی نسبت به این مساله واکنش نشان می‌داد. این موضوع، من را خیلی درگیر کرد که چگونه می‌توانم برای آن قصه‌ای پیدا کنم. اما کلید ورودی‌ام به فضای تاپور از روزی بود که به طور اتفاقی با سمپاشی برخورد کردم که در خیابان بالای شهری در تهران به دنبال انجام این کار بود. اصلا فکرش را نمی‌کردم که در دنیای مدرن امروز، چنین حرفه‌ای وجود داشته باشد.

■ **تقابل فضایی از ماشینیسم مدرن‌گرای امروز با رویایی برآمده از دبروز سنت‌گرا!**
بله! تصویر خاصی از فردی بود که ناخواسته وارد دنیای مدرنی شده بود، بدون آنکه آگاه به موقعیت امروزی باشد. با تلقی ایده‌هایی که یافته بودم، اشتیاق خوبی برایم فراهم شد که بنشینم و فیلمنامه تاپور را بنویسم. یک فضای خرد و تنهایی‌محور سینمای برابم در خانه ساختم و طی یک ماه فیلمنامه را تکمیل کردم.

عکس از مراسم جدید وطن امروز.

■ **در تاپور فضایی خاص از تصویرگرایی را شاهد هستیم. ما گروهی ثابت در فیلم‌های گشتر و تاپور ندیدیم که سینمای موردعلاقه‌مان یکی است و زبان واحدی داریم. خوشبختانه ما با این دوستان فیلمبردار و طراح می‌کنند و بعد خودش تبدیل به ایژه خود می‌شود. در میزاسنس مربوط به داخل آن کاخ، وقتی که آن دو نفر جایشان تغییر یافته و آن مرد پولی را شمارش می‌کند، ما می‌بینیم که هدف تغییر یافته و بی می‌بریم که آن مرد نیز بیمار است. این کاراکتر در عین آنکه مورد آزار قرار می‌گیرد، اما به تظهیری درونی دست می‌یابد. این نوع نگاه در عرفان شرقی ما هم وجود دارد که باید مسیر سختی طی شود تا پس از خروج از منیت‌های آدمی به تظهیر و خلوص دست یافت.**

■ **خبره شدن کاراکتر به گوشتی در حال سرخ شدن و در واقع منجمد شدن نیز تامل به ذاتی است که رو به تنهایی است.**

خیلی‌ها شاید از این سکاسن تعبیر ضدانسانی کنند که چنین نیست. به خاطر اینکه ما از آن گوشت، تنها تصویری عریان و بی‌هویت می‌یابیم که به معنای زیر سوال بردن آدمی نیست. اتفاقا این فیلم در جهت ستایش از مفهوم والا و گرانتقدر انسانیت است که متاسفانه گاه فراموش می‌شود. در آن سکاسن، انسانی از گذشته دارد به انسان امروزی نگاه می‌کند که در حال از بین رفتن است و اشکی که از چشمان مرد خارج می‌شود، آفسوس بی احوال انسان امروز است.

■ **نقش آفرینی ارزنده‌ای از سوی کاراکتر فیلم را شاهد بودیم.**
آقای محمدریانی سال‌ها تئاتر کار کردند و نقش‌هایی کوتاه هم انجام دادند. من از روز اول دنبال انسانی بودم که خیلی جنسیت خاصی نسازد و هنگامی که با جهان می‌کنیم به اصل آنسپ‌پذیری آدمی می‌بریم.
■ **چنان‌ا چ جهانی سولارسیز گونه آمده که هیچ آدمی در پیرامون با او هم‌فریقه نیست و در سکاسنی در فیلم وقتی در کنار مردی قرار می‌گیرد، با مرگ آن مرد مواجه می‌شویم.**

بینن چیزی که من برای اولین بار در اینجا دوست دارم بگویم، این است که روز اول برای نگارش فیلمنامه ۲ منبع برای من بسیار مهم و اساسی بود. اولین مورد دن کیشوت بود که دوباره آن را خواندم. دوم مساله خواندن و مورد روز روز از فایل صوتی مسافر کوچولو بود و مساله بعد اندیشسه بر رنجی بود که بر قامت مسیح می‌نشست. فارغ از مفهوم مذهبی، به عنوان پیامبری که همه رنج بشر را روی دوش خود حمل می‌کند تا آدمی را به سمت رستگاری برساند.

■ **در واقع شخصیت تاپور همانند موجودی نجاتبخش برای رساندن آدمی به جایگاه اصیل خود است.**
بله! برای من این شخص همانند مجرزه‌ای می‌ماند که در این عصر مدرن با دستگامی از سمپاشی و با لیبایی خاص به زمین آمده‌است تا تلاشی هرچند نافرجام برای زدودن سیاهی‌ها می‌کند.
■ **در نمایی شاهدیم که اشاره می‌شود، فساد موجود نه از سوی خود بلکه از محیط پیرامون حاصل می‌شود.**

درست است. در آنجا با متافرمی از همین شخصیت مواجه می‌شویم. می‌دانید که تنها موجوداتی که بر اثر تشعشعات رادیو اکتیوی از بین نمی‌روند، سوسک‌ها هستند و تنها موجوداتی هم که از عصر دایناسورها همچنان وجود دارند، همین سوسک‌ها هستند. اتفاقا خود این موجودات تمیز هستند و ناباکی، مربوط به محیط پیرامونی‌شان است. مهم‌تر از اینها ما اهل ادبیات هستیم و می‌دانیم که کافکاچه دیدگاهی در آن اثر درخشان خود دارد و شاید این نوعی ارجاع به آن باشد. وقتی مرد با دستگناه سمپاشی در حال کار است، می‌بینیم که سایه هیولآوری روی دیوار می‌افتد که انگار سایه خود اوست. در فیلم شاهدیم که درهای گشایش یافته به جهانی بسته‌تر منتهی می‌شود و تنها در باز شده به بیرون، دری است که در آن حضور دارد.

■ **و آن نمای ارزنده‌ای که مرد را در حال محو شدن تدریجی در آن محیط سمپاشی نشان می‌دهد. این نوع برخورد در اجراء قبلا در فیلمنامه مشخص شده بود یا بعدا حادث شد؟**
قطعاً فیلمنامه در اجراء مورد تغییراتی قرار می‌گیرد. من قبلا هیچ کدام از این لوکیشن‌ها را غیر از تونل رسالت ندیده بودم و همه را در تخیل خود ساخته بودم. بزرگ‌ترین چالش‌ی که داشتم، تبدیل ذهنیاتم به اثری بیرونی بود.

تازه‌ها

مجتبی‌امینی:

**منتقدان «بدون مرز» را پدیده جشنواره فیلم فجر امسال می‌دانند**

مجتبی امینی، تهیه‌کننده سینما که بتازگی فیلم «بدون مرز» او در بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر پذیرفته شده است، گفت: در اکران‌های خصوصی این فیلم بازخوردهای بسیار خوبی از اهالی مطبوعات و منتقدان سینما دریافت کردیم و برخی منتقدان از آن به‌عنوان یکی از پدیده‌های جشنواره امسال و فیلمی جریان‌ساز یاد کردند. وی به سینماپرس گفت: با توجه به درخشش این فیلم در جشنواره توکیو که یکی از ۵ جشنواره معتبر دنیا است، در جشنواره فجر امسال هم فیلم موفق و تأثیرگذاری خواهد بود. امینی درباره پروسه ساخت این فیلم توضیح داد: پیش‌تولید فیلم سینمایی «بدون مرز» از اواخر دی‌ماه سال گذشته آغاز شد و ما برای انتخاب لوکیشن‌ها طی سفری که به آبادان داشتیم در نقطه صفر مرزی لوکیشن‌های اصلی خودمان را انتخاب کردیم و پس از آن برای انتخاب بازیگران ۵ هزار کودک، هنرجو و دانش‌آموز را تست گرفتیم که در نهایت ۲ نفر از میان آنها انتخاب شدند و پس از حدود ۳ ماه پیش‌تولید، این فیلم سینمایی در آبادان کلید خورد. وی بیان داشت: کار با وسوس‌های زیادی به پیش رفت و در اواخر تابستان امسال این فیلم آماده نمایش شد. این تهیه‌کننده سینما در پایان این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: «بدون مرز» فیلمی در حوزه بین‌الملل، روابط انسانی و اثری ضدآمریکایی است و در فیلم شاهد کمترین دیالوگ‌های سینمایی هستیم. برپایه این گزارش، فیلم «بدون مرز» به کارگردانی امیرحسین عسگری و تهیه‌کنندگی مجتبی امینی نهی آبان‌ماه در بیست‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو برنده جایزه ۱۰ هزار دلاری بهترین فیلم بخش مسابقه فیلم‌های بلند آسیایی شد. «بدون مرز» روابط پسری است که هر روز برای ماهیگیری به کشتی به گل نشسته‌ای در نقطه صفر مرزی می‌رود و آنجا تبدیل به مکانی برای آرامش و خلوتش شده است اما حضور غریبه‌ای در این محل این خلوت و آرامش را بر هم می‌زند و در ادامه ماجراهایی پیش می‌آید. علیرضا بالدی، زینب ناصروهر، آرش مهربان و اسراران‌علی‌پوریان در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

■ ■ ■

**بازگشت «پورعرب» پس از سال‌ها به سینما**



حسن توکل‌نیا، تهیه‌کننده سینما از تغییر نام فیلم جدید اصغر نعیمی به «سایه» و حضور ابوالفضل پورعرب بعد از سال‌ها دوری از سینما خبر داد. وی به سینماپرس گفت: پس از کسب پروانه ساخت فیلم سینمایی «زیبا» به کارگردانی اصغر نعیمی، به دلیل اینکه فیلمنامه‌ای با همین نام به ثبت رسیده بود، نام این فیلم به «سایه» تغییر نام داد. تهیه‌کننده فیلم «سه‌ستای آلوده» در ادامه افزود: تاکنون حدود ۴۰ درصد از فیلمبرداری این فیلم در تهران به اتمام رسیده است و هم‌زمان با فیلمبرداری سیامک مهماندوست مشغول مونتاژ هم‌زمان این اثر سینمایی است. توکل‌نیا یادآور شد: نکته قابل توجه درباره این فیلم که یک ملودرام اجتماعی محسوب می‌شود، حضور ابوالفضل پورعرب بعد از سال‌ها دوری از سینما است. تهیه‌کننده فیلم «چند می‌گیری گریه کنی» درباره لوکیشن و مدت زمان فیلمبرداری این اثر نیز توضیح داد: همه لوکیشن‌های این فیلم اطراف تهران است و ۳۰ جلسه فیلمبرداری برای این فیلم پیش‌بینی کردیم. عوامل سازنده اثر عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: روزبه رایگا، مدیر تولید: حسن توکل‌نیا، صدرباراد هم‌زمان: علیرضا برومند، طراح چهره‌پردازی: سودابه خسروی، تدوین: سیامک مهماندوست، طراح صحنه و لباس: مریم رحمانی، منشی صحنه:سمپاشقاری،مدیرتدارکات:محموداحمدی، احمدلو، اجرای چهره‌پردازی: روناک گلشن، طراح صحنه و لباس: مریم رحمانی، بازیگران: ابوالفضل پورعرب، سمیرا حسن‌پور، سیامک صفری، هوشنگ توکلی و حدیث دلوانوند. تهیه‌کنندگان: حسن توکل‌نیا و علی توکل‌نیا. محصول: یکتا فیلم. برپایه این گزارش، فیلم سینمایی «سایه» سومین اثر بلند سینمایی بلند اصغر نعیمی بعد از فیلم‌های «پی‌وفا» و «سلام بر عشق» است.

■ ■ ■

**«شعدونی» سروش صحت همین روزها تمام می‌شود**

سریال طنز «شعدونی» سروش صحت تا ۱۰ روز دیگر تصویربرداری خود را به سرانجام می‌رساند. محسن چگینی، تهیه‌کننده مجموعه «شعدونی» در گفت‌وگو با ایسنا با اعلام این خبر درباره زمان پخش این مجموعه نیز گفت: «شعدونی» پخش خود را از بهمن‌ماه آغاز می‌کند. وی درباره تعداد قسمت‌های مجموعه «شعدونی» مطرح کرد: این سریال در ۵۲ قسمت به کار خود پایان خواهد داد. مجموعه تلویزیونی «شعدونی» به تهیه‌کنندگی محسن چگینی و نویسندگی ایمان صفایی، سروش صحت و کارگردانی سروش صحت در گروه فیلم و سریال شبکه سه سیما تولید می‌شود. سریال در ۵۲ قسمت به کار خود پایان خواهد داد. «شعدونی» در ۱۵ قسمت سومین اثر بلند «همه‌چیز آنجاست» پخش خواهد شد.